

دعای مستجاب

پیرامون شرایط، موانع و آداب استجابت دعا (۲)

موانع استجابت دعا

نویسنده:

مسلم زکی زاده

دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی

مسجد هدایت

آذرماه ۱۳۹۳

موانع استجابت دعا

خداوند متعال نظام هستی را نظام علّی و معلولی قرار داده است، یعنی در عالم، هر پدیده ای محصول علّتی است و هیچ امری بدون سبب محقق نمی شود. برای تحقق هر امری باید علّت تامّه آن امر محقق شود. علّت تامّه هر شیء، مجموعه شرایط و عوامل پدید آمدن آن شیء است به اضافه نبود هر آن چیزی که مانع از تحقق آن شیء می شود که اصطلاحاً به آن «وجود مقتضی و فقدان مانع» می گویند. مثلاً در به وجود آمدن آتش، وجود ماده سوختنی مانند پنبه و حرارت و اکسیژن لازم است ولی همین عوامل به تنهایی برای ایجاد آتش کفایت نمی کند، بلکه باید در این میان مانعی همچون خیس بودن پنبه وجود نداشته باشد. اجابت دعا نیز از این قاعده مستثنی نیست. در اجابت دعا، بودن عواملی ضروری است که در فصل قبل تحت عنوان «شرایط اجابت دعا» به صورت خلاصه بیان شد. حال وقت آن فرا رسیده است که به بررسی موانع اجابت دعا بپردازیم، تا با گردآوری شرایط و برطرف کردن موانع اجابت دعا به مقصود خود که همان استجابت دعاست، دست پیدا کنیم.

فقدان تمامی شرایطی که برای اجابت دعا ذکر شد، مانعی برای اجابت محسوب می شود، ولی در جملات معصومین علیهم السّلام به برخی از موانع اجابت به طور خاص اشاره شده است که من باب نمونه به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

۱- عدم شناخت خدای متعال.

قال موسی بن جعفر علیهما السّلام (این روایت ذیل شرط اول اجابت دعا ذکر شد):

«قال قومٌ للصادق عليه السلام: ندعو فلا يستجاب لنا، قال: لأنكم تدعون من لا تعرفونه». حضرت کاظم علیه السلام فرمودند: عده ای از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا ما دعا می کنیم ولی مستجاب نمی شود حضرت فرمودند: چون شما کسی را که نمی شناسید می خوانید. خداوند متعال در قرآن کریم (سوره اعراف آیه ۱۸۰) می فرماید: «و الله الأسماء الحسنى فادعوه بها...» و برای خدا نام های نیک است، خدا را به وسیله آن نام ها بخوانید. طبق دستور خداوند در این آیه شریفه ما موظفیم هرگاه قصد مناجات و عرض حاجت به درگاه الهی داشتیم، حضرت حق را با نام های نیکویش بخوانیم و لازمه این مهم شناخت نام ها و صفات خدای متعال است.

۲- اعتقاد نداشتن به حجج الهی (انبیاء و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین).

قال الصادق عليه السلام: «إنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَّالُهُ الصَّلَوَاتُ [عَنِ الصَّلَوَاتِ] الْمَفْرُوضَاتِ وَ عَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَ عَنِ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَ عَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَ عَنِ وَلائِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنْ أَقْرَبَ بَوْلَانِنَا ثُمَّ مَاتَ عَلَيْهَا قُبِلَتْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ صَوْمُهُ وَ زَكَاتُهُ وَ حَجُّهُ وَ إِنْ لَمْ يُقْرَبْ بَوْلَانِنَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَّالُهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ شَيْئاً مِنْ أَعْمَالِهِ». امام صادق علیه السلام فرمودند: چون بنده برابر خدا ایستد اول پرسش او از نمازهای واجب و از زکاة واجب و از روزه واجب و از حج واجب و از ولایت ما خاندانست و اگر معترف به ولایت ما خاندان باشد و بر آن عقیده بمیرد نماز و روزه و زکاه و حج او پذیرفته است و اگر برابر خدا اعتراف به ولایت ما نکند خدا چیزی از اعمال او نپذیرد.

(همانطور که از روایت به خوبی پیداست - مخصوصاً قسمت انتهائی حدیث - بدون اعتقاد و پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام، خدای متعال هیچ عملی را بندگان نمی پذیرد. دعا هم یکی از اعمالی است که انسان ها به درگاه خدای متعال با آن عرض حاجت

کرده و تقرّب به آستان او می جویند، که به بیان پر نور حضرت صادق علیه السّلام در روایت، اگر ولایت حضرات معصومین علیهم السّلام به آن ضمیمه نشود، به درگاه خداوند پذیرفته نیست.)

إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: «لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ، رَجُلٍ يَزِدُّهُ كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَانًا، وَ رَجُلٍ يَنْدَارِكُ مَنِيئَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَ أَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ - وَ اللَّهُ إِنْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُقْبُهُ - مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ». مولا امیرالمومنین علیه السّلام (زیاد) می فرمودند: خیری در دنیا نیست مگر برای دو کس: کسی که هر روز بر احسان کردن خود می افزاید و کسی که گناه خود را با توبه کردن جبران می کند، او کی می تواند توبه کند؟ به خدا سوگند که اگر سجده کند به گونه ای که گردنش قطع شود، خدا توبه او را نمی پذیرد مگر با ولایت ما خاندان.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي قَوْلِ اللَّهِ: [وَ إِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى] قَالَ أَلَا تَرَى كَيْفَ اشْتَرَطَ وَ لَمْ يَنْفَعُهُ التَّوْبَةُ وَ الْإِيمَانُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ حَتَّى اهْتَدَى وَ اللَّهُ لَوْ جَهَدَ أَنْ يَعْمَلَ بِعَمَلٍ مَا قَبِلَ مِنْهُ حَتَّى يَهْتَدِيَ، قُلْتُ إِلَى مَنْ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ إِلَيْنَا». از امام باقر علیه السّلام روایت شده است که درباره کلام خداوند [و بدرستی که من بخشنده هستم برای هر آن کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد سپس هدایت شود] فرمودند: آیا نمی بینی چگونه خداوند شرط کرده است (توبه، ایمان و عمل صالح را به هدایت)؟ توبه و ایمان و عمل صالح به او سود نمی رساند تا اینکه هدایت شود، به خدا قسم اگر تلاش کند که طاعت و عملی انجام دهد، از او قبول نمی شود تا هدایت شود. راوی می گوید از حضرت پرسیدم: خدا مرا فدایت کند، به سوی چه کسی هدایت شود؟ حضرت فرمودند: به سوی ما اهل بیت.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ إِنَّا نَرَى الرَّجُلَ مِنَ الْمُخَالِفِينَ عَلَيْكُمْ لَهُ عِبَادَةٌ وَاجْتِهَادٌ وَخُشُوعٌ فَهَلْ يَنْفَعُهُ ذَلِكَ شَيْئًا» - فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّمَا مَثَلُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ كَانُوا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَانَ لَا يَجْتَهِدُ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً إِلَّا دَعَا فَاجِيبَ وَ إِنْ رَجُلًا مِنْهُمْ اجْتَهَدَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ دَعَا فَلَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ فَأَتَى عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عَ يَشْكُو إِلَيْهِ مَا هُوَ فِيهِ وَ يَسْأَلُهُ الدُّعَاءَ لَهُ فَتَطَهَّرَ عِيسَى وَ صَلَّى ثُمَّ دَعَا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ - يَا عِيسَى إِنَّ عَبْدِي أَنَانِي مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ إِنَّهُ دَعَانِي وَ فِي قَلْبِهِ شَكٌّ مِنْكَ فَلَوْ دَعَانِي حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ وَ تَنْتَشِرَ أَنَامِلُهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ - فَالْتَفَتَ عِيسَى عَ فَقَالَ تَدْعُو رَبَّكَ وَ فِي قَلْبِكَ شَكٌّ مِنْ نَبِيِّهِ قَالَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتَهُ قَدْ كَانَ وَ اللَّهُ مَا قُلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ عَنِّي فَدَعَا لَهُ عِيسَى عَ فَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ وَ صَارَ فِي حَدِّ أَهْلِ بَيْتِهِ كَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَ هُوَ يَشْكُ فِينَا». محمد بن مسلم گوید:

به امام باقر یا امام صادق علیهما السلام عرض کردم: ما پاره‌ای از مخالفین شما را می‌بینیم که در عبادت کوشا و دارای خشوع فراوانی هستند، آیا اینها برای ایشان سودی دارد؟ فرمود: ای محمد همانا مثل ما اهل بیت با شما مردم مثل آن خاندان در بنی اسرائیل است که کسی از آنها نبود که چهل شب در عبادت بکوشد جز اینکه وقتی دعا می‌کرد مستجاب می‌شد. یک بار مردی از آنان مدّت چهل شب به عبادت پرداخت و بعد دعا کرد اما مستجاب نشد، نزد عیسی بن مریم (ع) رفته و از آنچه بر او گذشته بود گلایه کرد و از آن حضرت التماس دعا نمود. عیسی (ع) وضو ساخت و نماز گزارد و دعا کرد. خداوند به او وحی فرستاد که ای عیسی این بندهام از غیر آن بایی که باید نزد من آیند نزد من آمده، او مرا خوانده در حالی که در نبوت و پیغمبر بودن تو در شک است بنا بر این اگر به اندازه‌ای مرا بخواند که گردنش قطع و بندهایش از هم بگسلد من دعایش را مستجاب نخواهم کرد. عیسی (ع) به وی رو کرده فرمود: پروردگارت را می‌خوانی و در دل خود به پیامبرش شک داری؟ گفت: ای روح و کلمه خدا، به خدا سوگند همین طور است که می‌فرمائی، از خداوند بخواه که این شک را از دل من بزداید. عیسی (ع) برای

وی دعا کرد و خداوند از وی پذیرفت، و او در حدّ سایر افراد خاندان خویش قرار گرفت. ما خاندان نیز این چنین هستیم، خداوند عمل بنده‌ای را که در باره ما شک دارد قبول نمی‌فرماید.

۳- عدم توسّل به اهل بیت سلام الله علیهم.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَانَ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ وَاجِبًا لِلدُّعَاءِ، إِذَا سُئِلَ اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَآلِهِمَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، مَشْهُورًا فِي الزَّمَنِ السَّالِفِ، حَتَّىٰ إِنَّ مَنْ طَالَ بِهِ الْبَلَاءُ قِيلَ: هَذَا طَالَ بَلَاؤُهُ، لِنِسْبَانِهِ الدُّعَاءَ لِلَّهِ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ». مولا امیر المومنین علیه السلام فرمودند: در زمان گذشته (امت های پیشین) برآورده شدن حاجات و اجابت دعا، با توسّل به (حضرات) محمد و علی و خاندان پاکشان مشهور بود، تا جائی که هر کس بلا و گرفتاریش طولانی می شد، گفته می شد: این شخص گرفتاریش طولانی شده چون توسّل به حضرت محمد و آل پاکش (صلوات الله علیهم اجمعین) را فراموش کرده است.

عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «أَتَى يَهُودِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ يُحِدُّ النَّظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا يَهُودِيٌّ مَا حَاجَتُكَ فَقَالَ أَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّبِيُّ الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَانزَلَ عَلَيْهِ التَّوْرَةَ وَالْعَصَا وَفَلَقَ الْبَحْرَ وَأَظْلَهُ بِالْغَمَامِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ إِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْعَبْدِ أَنْ يُزَكِّيَ نَفْسَهُ وَلَكِنِّي أَقُولُ إِنَّ أَدَمَ عَ لَمَّا أَصَابَ الْخَطِيئَةَ كَانَتْ تَوْبَتُهُ [إِلَى] أَنْ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي فَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَإِنْ نُوْحًا لَمَّا رَكِبَ فِي السَّفِينَةِ وَخَافَ الْغَرَقَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ فَجَآهُ اللَّهُ عَنْهَا وَإِنْ إِبْرَاهِيمَ لَمَّا أَلْقَى فِي النَّارِ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَإِنْ مُوسَى لَمَّا أَلْقَى عَصَاهُ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمْتَنَنِي مِنْهَا فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ

اللَّهُ عَلَىٰ يَا يَهُودِيُّ إِنَّ مُوسَىٰ ع لَوْ أَدْرَكْنِي ثُمَّ لَمْ يُؤْمِنْ بِي وَبِنُبُوتِي مَا نَفَعَهُ إِيمَانُهُ شَيْئًا وَلَا نَفَعَنِي النَّبُوءَةُ يَا يَهُودِيُّ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَهُ». معمر بن راشد گوید شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود یک یهودی خدمت پیغمبر آمد و تند به آن حضرت نگاه می کرد، فرمود ای یهودی چه حاجت داری؟ عرض کرد تو برتری یا موسی بن عمران پیغمبر که خدا با او سخن گفت و تورات و عصا به او داد و دریا را برابرش شکافت و با ابر بر سرش سایه انداخت، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خوب نیست کسی خودستایی کند ولی می گویم که چون آدم گناه کرد توبه اش این بود که گفت خدایا بحق محمد و آل محمد از تو می خواهم که مرا بیامری و خدایش آمرزید و چون نوح سوار کشتی شد و از غرق شدن ترسید، گفت خدایا از تو می خواهم بحق محمد و آل محمد که مرا از غرق شدن نجات دهی و خدا او را نجات داد و چون ابراهیم را به آتش افکندند، گفت خدایا بحق محمد و آل محمد مرا از آن نجات ده و خدا آن را بر او سرد و سلامت کرد و چون موسی عصا افکند و از آن ترسید، گفت خدایا از تو می خواهم بحق محمد و آل محمد که مرا امان دهی و خدای جل جلاله فرمود مترس تو برتری. ای یهودی اگر موسی مرا درک می کرد و به من ایمان نمی آورد، ایمانش سودی نداشت و نه نبوتش، ای یهودی از ذریه من است آن مهدی که چون ظهور کند عیسی بن مریم برای یاریش فرود آید و او را پیش دارد و پشت سرش نماز گذارد.

اسماعیل بن غزوان بصری گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: زنی از جنیان که عفران نام داشت به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب می شد و سخن آن حضرت را می شنید و به نزد شایستگان جن می آمد و آنها به دست او اسلام را می پذیرفتند، مدتی پیامبر او را ندید...، (پس از مدتی عفران برگشت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمودند: ای عفران! چه دیدی؟ گفت: ابلیس را در دریای سبز بر روی

سنگی سفید دیدم که دستان خود را به آسمان بلند کرده و می‌گفت: «إِلَهِي إِذَا بَرَرْتُ قَسَمَكَ وَادْخَلْتَنِي نَارَ جَهَنَّمَ فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا خَلَصْتَنِي مِنْهَا وَحَشَرْتَنِي مَعَهُمْ فَقُلْتُ يَا حَارِثُ مَا هَذِهِ الْأَسْمَاءُ الَّتِي تَدْعُو بِهَا قَالَ لِي رَأَيْتَهَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِسَبْعَةِ آلَافِ سَنَةٍ فَلِمْتُ أَنَّهَا أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَنَا أَسْأَلُهُ بِحَقِّهِمْ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ أَقْسَمَ أَهْلُ الْأَرْضِ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَأَجَابَهُمْ». خدای من! آنگاه که تو به سوگند خود وفا کرده و مرا به دوزخ وارد کنی، پس من تو را به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین سوگند خواهم داد که مرا از آن رهایی بخشیده و با آنان محشور گردانی. من به او گفتم: ای حارث! این نام‌هایی که خدا را با آنها فرا می‌خوانی چیست؟ او به من گفت: من این نام‌ها را هفت هزار سال پیش از آنکه خداوند آدم را بیافریند، بر پایه عرش دیدم، و دانستم که آنها گرمی‌ترین آفریدگان در پیشگاه خدا هستند. اینک من خدا را به حق آنان می‌خوانم. پیامبر فرمود: سوگند به خدا! اگر همه مردم روی زمین خدا را به این نام‌ها سوگند دهند، خداوند آنها را پاسخ می‌دهد.

(به خاطر جلوگیری از طولانی شدن مطلب، قسمتی از حدیث آورده شد، برای رؤیت حدیث به شکل کامل، می‌توانید به آدرس مندرج در پاورقی مراجعه کنید.)

۴- ارتکاب گناه.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَّةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ فَضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيَذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلِكِ لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَاحْرِمَهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجَبَ الْجِرْمَانَ مِنِّي». از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمودند: همانا بنده از خدا حاجتی می‌خواهد که اقتضا دارد، زود یا دیر برآورده شود (زیرا حاجت مشروعست و شرایط دعا موجود) سپس آن بنده گناهی

مرتکب می‌شود، و خدای تبارک و تعالی به فرشته می‌فرماید: حاجتش را روا مکن و او را از آن محروم دار، زیرا در معرض خشم من در آمد و سزاوار محرومیت من گشت.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَرَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ بِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَنْصَرَفَ مِنْ حَاجَتِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ عَلَى خَالِهِ فَقَالَ لَهُ مُوسَى لَوْ كَانَتْ حَاجَتُكَ بِيَدِي لَقَضَيْتُهَا لَكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبَلْتُهُ حَتَّى يَتَحَوَّلَ عَمَّا أَكْرَهُ إِلَيَّ مَا أُحِبُّ». از حضرت صادق علیه السلام روایت است که حضرتش فرمودند: روزی موسی بن عمران از کنار مردی از اصحابش عبور کرد در حالتی که او در سجده بود. هنگامی که موسی از کارش فارغ شد در بازگشت دید که آن شخص همچنان در حال سجده است. موسی به او فرمود اگر حاجت تو در دست من بود حتماً اجابت می‌کردم. پس خدای عزوجل به موسی وحی فرمود: ای موسی اگر این مرد آنقدر سجده کند تا گردنش قطع شود از او نمی‌پذیرم تا زمانی که از آن چه کراهت دارم به آنچه دوست دارم بازگردد.

۵- ظلم و ستم.

۶- لقمه حرام.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيُطِيبْ كَسْبَهُ وَ لِيُخْرِجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُرْفَعُ إِلَيْهِ دَعَاءُ عَبْدٍ وَ فِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ». از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمودند: هرگاه یکی از شما اراده کرد تا دعایش مستجاب شود پس باید کاسبیش را پاک کند و از ظلم به مردم خارج شود، به درستی که خداوند دعای بنده ای که در شکمش حرام یا نزد او ظلمی نسبت به احدی از خلقش باشد، مستجاب نمی‌کند.

فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ: «فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَيَّ الْإِجَابَةُ فَلَا تَحْتَجِبْ عَنِّي دَعْوَةٌ إِلَّا دَعْوَةَ أَكَلِ الْحَرَامِ». در حدیث قدسی آمده است که خدای متعال فرمود: از تو دعا کردن است و بر من اجابت نمودن، هیچ دعایی از من محجوب نمی‌ماند مگر دعای انسان حرامخوار.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِنُوفٍ الْبِكَالِيِّ: «يَا نُوفُ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ الْمَسِيحَ (ع) قُلْ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ... أَنِّي لَا أَسْتَجِيبُ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ دَعْوَةً وَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي قَبْلَهُ مَظْلَمَةً». ای نوف به درستی که خدای متعال جلت عظمته به حضرت مسیح عیسی بن مریم - علیه السلام - وحی فرمود که: به بنی اسرائیل بگو ... که من مستجاب نمی‌کنم دعای هیچ یک از آنها را در حالی که حقی از یکی از خلق من به عهده آنها باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ (ع) أَنْ قَالَ لَهُ ... يَا عَيْسَى قُلْ لِظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَدْعُونِي وَ السُّخْتُ تَحْتَ أَحْضَانِكُمْ وَ الْأَصْنَامُ فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنِّي رَأَيْتُ أَنْ أُجِيبَ مَنْ دَعَانِي وَ أَنْ أَجْعَلَ إِجَابَتِي إِلَيْهِمْ لَعْنًا عَلَيْهِمْ حَتَّى يَنْفَرَقُوا». از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: در مواضع خدای تبارک و تعالی به عیسی بن مریم آمده است که خداوند به عیسی (ع) فرمود: ای عیسی! به ظالمان بنی اسرائیل بگو: مرا نخوانید در حالی که احکام کسبهای حرام را لگدکوب می‌کنید و بتها در خانه‌هایتان جای کرده، چون من قسم یاد کردم که هر کس مرا خواند، او را اجابت کنم (اگر اینان نیز بخواهند مرا بخوانند اجابتشان خواهم کرد) و اجابت من برای اینان، لعن و نفرین آنان است تا جمعشان پراکنده گردد.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَقُولُ اللَّهُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أُجِيبُ دَعْوَةَ مَظْلُومٍ دَعَانِي فِي مَظْلَمَةٍ وَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ مِثْلُهَا». حضرت صادق علیه السلام فرمودند: خدای تعالی می‌فرماید: به عزت و جلالم قسم، اجابت نمی‌کنم دعا و نفرین مظلومی را در

حقّ ظالم به او، در حالی که خود آن مظلوم درباره دیگری مرتکب همان ظلم شده است.

۷- مخالف بودن دعا با حکمت الهی.

قال مولانا امیرالمومنین علیّ علیه السلام: «إِنَّ كَرَمَ اللَّهِ تَعَالَى لَا يَنْقُضُ حِكْمَتَهُ فَلِذَلِكَ لَا تَقَعُ الْجَابَةُ فِي كُلِّ دَعْوَةٍ». مولا امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: بدرستی که کرم خدای تعالی برهم نمی‌زند حکمت او را، پس بسبب این است که اجابت در هر دعائی واقع نمی‌شود.

۸- ترک امر به معروف و نهی از منکر.

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لِيَسْلُطَنَّ اللَّهُ شِرَارَكُمْ عَلَى خِيَارِكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ». از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که حضرت فرمودند: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه خدا اشرارتان را بر خوبانتان مسلط خواهد کرد، پس خوبانتان دعا می‌کنند ولی مستجاب نخواهد شد.

۹- عقوق والدین.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «(الدَّنُوبُ) الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَ تُظْلِمُ الْهَوَاءَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ». گناهی که موجب ردّ شدن دعا و مستجاب نشدنش بوده و هوا را تیره و تار می‌کند عاق والدین شدن می‌باشد.

- ۱۰- نیّت بد.
- ۱۱- پلید بودن باطن.
- ۱۲- نفاق و دورویی با برادران دینی.
- ۱۳- ترک اجابت برادران دینی.
- ۱۴- به تأخیر انداختن نماز تا قضا شدن آن.
- ۱۵- ترک تقرب به خدا با انجام کارهای نیک و صدقات.
- ۱۶- بد دهنی و استعمال کلام زشت.

عن مولانا زین العابدین علی بن الحسین (ع) قَالَ: «الذُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ سُوءُ النِّيَّةِ وَ خَيْبُ السَّرِيرَةِ وَ النِّفَاقُ مَعَ الْإِخْوَانِ وَ تَرْكُ التَّصَدِيقِ بِالْإِجَابَةِ وَ تَأْخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ حَتَّى تَذَهَبَ أَوْ قَائِمُهَا». گناهانی که موجب برگشتن دعا می‌شوند عبارتند از: نیّت بد داشتن، در باطن پلید بودن، با برادران دین دورویی و نفاق نمودن، برادران دینی را با ترک اجابت تصدیق نکردن. و نمازهای واجب را به تأخیر انداختن تا وقتشان بگذرد. «وَ تَرَكَ التَّقَرُّبَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْبِرِّ وَ الصَّدَقَةِ وَ اسْتِعْمَالَ الْبَدَاءِ وَ الْفُحْشِ فِي الْقَوْلِ». و ترک تقرب جستن بخدا به وسیله نیکی و خیرات، و بد دهنی و گفتن سخن زشت، هستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ فَدَعَا اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ غُلَامًا ثَلَاثَ سِنِينَ فَلَمَّا رَأَى أَنَّ اللَّهَ لَا يُجِيبُهُ قَالَ يَا رَبُّ أَسْأَلُكَ فَمَا تَسْمَعُنِي أَمْ قَرِيبٌ

أَنْتَ مِنِّي فَلَا تُجِيبُنِي قَالَ فَأَتَاهُ آتٍ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ إِنَّكَ تَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُنْذُ ثَلَاثِ سِنِينَ بِلِسَانٍ بَدِيءٍ وَ قَلْبٍ عَاتٍ غَيْرِ تَقِيٍّ وَ نَبِيَّةٍ غَيْرِ صَادِقَةٍ فَأَقْلَعُ عَنْ بَدَائِكَ وَ لَيْتَنِي اللَّهُ قَلْبُكَ وَ لَتَحْسُنُ نَيْتُكَ قَالَ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ ثُمَّ دَعَا اللَّهَ فَوَلَدَ لَهُ غُلَامٌ. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: در بنی اسرائیل مردی بود که سه سال به درگاه خدا دعا می کرد تا خداوند به او پسری عنایت کند. زمانی که دید پروردگار دعایش را مستجاب نمی کند، به درگاه خدا عرضه داشت: ای پروردگارم آیا من از تو دورم پس صدایم را نمی شنوی! یا تو به من نزدیکی و دعایم را اجابت نمی کنی؟! در عالم خواب به او گفته شد: تو به مدت سه سال خدا را با بد زبانی و قلبی ناپاک و آلوده و نیت غیر صادق خواندی (لذا دعایت مستجاب نشد). پس دست از بد زبانی بردار و قلبت را با تقوای الهی پاک و نیتت را نیکو کن (تا دعایت مستجاب شود). حضرت فرمودند: آن مرد چنین کرد و بعد از آن به درگاه خداوند دعا نمود، پس خداوند پسری به او عنایت کرد.

۱۷- سبک شمردن نماز.

البته سبک شمردن نماز مصادیق مختلف و درجات متفاوتی دارد. بدترین حالت آن ترک عمدی نماز است که در این باره روایات سنگینی در مجامع روایی وجود دارد، من جمله این که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ». هر کس از روی عمد نماز را ترک کند کافر شده است. / همچنین آن حضرت فرمودند: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ ذِمَّةِ رَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله) هر کس نماز را عمدتاً ترک کند از ذمه خدا و رسول و امانشان بیزاری بسته است. از دیگر مصادیق سبک شمردن نماز من باب نمونه به سه مورد اشاره می کنیم: (۱) اهمیّت ندادن به یادگیری مسائل نماز و صحیح خواندن آن، جای تأسّف و بسی شگفتی دارد که

بسیاری از ما انسان ها نسبت به امور دنیوی و معاش خود نهایت دقت و کنجکاوی را به کار می بریم اما وقتی به امور دینی و اخروی، مخصوصاً نماز می رسیم یا اصلاً از اصل انجام نمی دهیم و یا اگر انجام دهیم نسبت به آموختن مسائل و احکام آن توجهی نداریم و از خود سستی نشان می دهیم. (۲) با وجود بلد بودن مسائل نماز، بی دقتی و اهمّیت ندادن به رعایت و اجرای صحیح و کامل مسائل نماز. (۳) در اولویت قرار ندادن نماز نسبت به سایر امور. نوعاً مردم پس از فارغ شدن از کارهای خود، برای انجام فریضه نماز اقدام می نمایند، غافل از این که این نهایت بی لطفی و قدرشناسی بنده نسبت به مقام شامخ خالق منّان است. برای درک بهتر مطلب، کارمند جزئی یک اداره را تصوّر کنید که مشغول کار است، در این میان به او خبر می رسد که رئیس اداره مشتاق دیدار او می باشد. همه خوب می دانیم که در این حالت او تمام تلاش خود را به کار می گیرد تا در اسرع وقت خود را به دفتر مدیر برساند. اما وقت اذان که دعوت رسمی خالق یکتا برای صحبت و مناجات با اوست، کم تر کسی پیدا می شود که دعوت حضرت حق را لبیک گفته و به نماز بایستد. ما انسان ها برای دیدار کسانی که دوستشان داریم سر از پا نمی شناسیم، چه شده؟! و به چه علّت برای دیدار و ملاقات با خالق زیبایی ها، مخزن لطف و مهربانی و صاحب نعمت ها، با تأخیر و کسالت، حاضر می شویم؟! و بعد از خواندن نماز احساس می کنیم که بار سنگینی را که بدوش می کشیدیم، به زمین گذاشته ایم. رسول خدا می فرماید: «مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ لِعَيْرِ وَقْتِهَا رُفِعَتْ لَهُ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ ضَيَعَكَ اللَّهُ كَمَا ضَيَعْتَنِي وَ أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ الصَّلَاةِ فَإِنْ رَكَتَ صَلَاتَهُ رَكَى سَائِرَ عَمَلِهِ وَ إِنْ لَمْ تَرَكَ لَمْ يَزُكْ عَمَلُهُ». هر که در خارج از وقت نماز گزارد آن نماز، سیاه و تیره بالا رود و گوید: خدا تو را تبه سازد که مرا تبه نمودی! و چون بنده در پیشگاه خدای گرامی و بزرگ بایستد نخستین چیزی که از او پرسند نماز باشد؛ پس اگر نمازش پاک بود کردارهای دیگرش نیز پاک خواهند بود و چون نمازش پاک نبود دیگر کردارش نیز پاک نخواهد بود. این جمله زیبا از مرحوم

شهید رجائی نقل شده است: «به نماز نگوئید کار، به کار بگوئید نماز». با یک سوال، کلام را در این باب خلاصه کرده و قضاوت را به عهده مخاطب گرامی می گذاریم. آیا تا به حال دلمان برای نماز و مناجات با خدا تنگ شده است؟ آیا هر بار، با ذوق و شوق به استقبال نماز می رویم یا با حالت کسالت و اجبار؟ (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...) حال به روایت ذیل که قسمتی از یک حدیث نسبتاً طولانی و بسیار مهم است توجه فرمائید:

عَنْ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا أَنَّهَا سَأَلَتْ أَبَاهَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ: «يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ تَهَآوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً ... وَ لَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ السَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ». از بانوی زنان عالم فاطمه زهرا سلام الله عليها روایت شده است که آن بزرگوار از پدرشان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پرسیدند: پدر جان! از میان زنان و مردان، برای کسی که نمازش را سبک بشمارد، چه عقوبتی در پیش است؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: ای فاطمه! هر کس از زنان و مردان که نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده خصلت (بلا و عقوبت) مبتلا خواهد ساخت ... (پنجم آن خصلت ها) دعایش به آسمان بالا نمی رود (اجابت نمی شود) و ششم بهره ای از دعای افراد صالح نیز نخواهد داشت.

۱۸- قطع رحم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «عَنْ جِبْرِئِيلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ أَنَا الرَّحْمَنُ شَقَقْتُ الرَّحِمَ مِنْ اسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَ مَنْ قَطَعَهَا قَطَعْتُهُ» رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: خداوند متعال می فرماید: من رحمان هستم و رحم را از نام خود

مشتق کرده‌ام، هر کس صله رحم بجای آورد من هم به او توجه خواهم کرد و هر کس قطع رحم کند من هم با او قطع می‌کنم.

وَ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «لَا تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعُ الرَّحِمِ» و فرمودند: رحمت بر گروهی که بین آنها قاطع رحم باشد فرود نمی‌آید.

(پیر واضح است و مسلم، قومی که خداوند رابطه خود را با ایشان قطع و نزول رحمت را بر ایشان ممنوع نموده است، از اجابت دعا محروم خواهند بود.)

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «إِنَّ أَصْنَافاً مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ... وَ رَجُلٌ يَدْعُو فِي قَطِيعَةِ رَحِمٍ». از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ روایت است که آن حضرت فرمودند: به درستی که اصنافی از امت من دعایشان مستجاب نمی‌گردد... (از آن دسته است) مردی که در حالی که قطع رحم نموده است، دعا می‌کند.

۱۹- دروغ گفتن.

قال اميرالمومنين عليه السلام: «إِذَا نَاوَأْتُمْ السَّائِلَ الشَّيْءَ فَاسْأَلُوهُ أَنْ يَدْعُوَ لَكُمْ فَإِنَّهُ يُجَابُ فِيكُمْ وَ لَا يُجَابُ فِي نَفْسِهِ لِأَنَّهُمْ يَكْذِبُونَ». مولا اميرالمومنين عليه السلام فرمودند: چون بدست سائل چیزی دادید از او بخواهید که در حق شما دعا کند که دعایش در باره شما مستجاب است ولی درباره خودش مستجاب نیست زیرا دروغ میگویند.

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (لَمَّا سُئِلَ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، فَمَا بَالُنَا نَدْعُو فَلَا يُجَابُ قَالَ: «إِنَّ قُلُوبَكُمْ خَانتْ بِشِمَانِ خِصَالٍ... وَ الرَّابِعَةُ [أَنَّكُمْ] قَلْتُمْ إِنَّكُمْ تَخَافُونَ مِنَ النَّارِ وَ أَنْتُمْ فِي كُلِّ وَ قْتٍ تَقْدَمُونَ إِلَيْهَا بِمَعَاصِيكُمْ فَأَيْنَ خَوْفُكُمْ وَ الْخَامِسَةُ

أَنْكُمْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ تَرْغَبُونَ فِي الْجَنَّةِ وَ أَنْتُمْ فِي كُلِّ وَاقْتٍ تَفْعَلُونَ مَا يُبَاعِدُكُمْ مِنْهَا فَأَيْنَ رَغَبْتُكُمْ فِيهَا...» حضرت امیر المومنین علیه السلام در پاسخ به این سوال که خداوند فرموده است - مرا بخوانید اجابتان می کنم - پس چرا دعا می کنیم ولی دعایمان اجابت نمی شود؟ فرمودند: زیرا دل های شما هشت خیانت کرده است... و چهارم، گفتید از آتش جهنم می ترسید و حال آن که در هر زمان به واسطه گناهانتان به سمت آن قدم برداشتید، پس کجاست ترس شما؟ و پنجم، گفتید که مشتاق بهشت هستید و حال آن که در هر زمان اعمالی انجام دادید که شما را از آن دور می کرد، پس کجاست رغبت و اشتیاقتان به بهشت؟...

۲۰- قساوت قلب.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبِ قَاسٍ». حضرت صادق علیه السلام فرمودند: بدرستی که خدای عز و جل اجابت نکند دعائی را که از روی دل سخت و با قساوت باشد.

۲۱- غفلت دل.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنُ بِالْإِجَابَةِ». حضرت صادق علیه اسلام فرمودند: خدای عز و جل اجابت نکند دعائی که از روی دل غافل باشد، پس هر گاه دعا کردی بدل توجه کن و یقین داشته باش که اجابت شود.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ وَ كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ لِلْمَيِّتِ فَلَا يَدْعُو لَهُ وَ قَلْبُهُ لَاهٍ عَنْهُ وَ لَكِنْ لِيَجْتَهِدَ لَهُ فِي

الدُّعَاءِ». امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند: خدای عزوجل دعای دل غافل و سرگرم به لہو را نپذیرد، و علی علیه السلام همیشه می فرمود: هر گاه یکی از شماها برای مرده‌ای دعا کند، در حالی که دلش از او غافل است دعا نکند، بلکه در دعای بر او کوشش کند(یعنی برآستی از دل دعا کند).

۲۲- نمامی و سخن چینی.

رُؤی: «أَنَّ مُوسَى ع اسْتَسْقَى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ حِينَ أَصَابَهُمْ قَحْطٌ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ لَا اسْتَجِيبُ لَكَ وَلَا لِمَنْ مَعَكَ وَفِيكُمْ نَمَامٌ قَدْ أَصَرَ عَلَى النَّمِيمَةِ فَقَالَ مُوسَى ع مَنْ هُوَ يَا رَبَّ حَتَّى نُخْرِجَهُ مِنْ بَيْنِنَا فَقَالَ اللَّهُ يَا مُوسَى أَنَّهُكُمْ عَنْ النَّمِيمَةِ وَ أَكُونُ نَمَامًا فَتَابُوا بِأَجْمَعِهِمْ فَسُقُوا». روایت شده است: زمانی در بنی اسرائیل قحطی آمد، حضرت موسی(ع) برای ایشان(از درگاه خداوند متعال) طلب باران نمود. خدای تعالی به آن حضرت وحی فرمود: دعای تو و همراهانت را مستجاب نمی کنم در حالی که میان شما انسان سخن چینی است که بر این صفت زشت اصرار می ورزد. حضرت موسی(ع) عرض کرد: پروردگارا آن شخص کیست(بگو) تا او را از بین خودمان بیرون کنیم. خدای متعال فرمود: ای موسی من شما را از سخن چینی نهی می کنم، حال خود نمامی کنم، سپس آن جمع همگی به درگاه خدا توبه کردند و باران بر آن ها باریده شد.

افرادی که دعایشان مستجاب نیست

پس از ذکر موانع اجابت دعا، به بیان افرادی می پردازیم که در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، به عنوان افرادی معرفی شده اند که دعایشان به درگاه خدای متعال، مستجاب نمی شود.

۱- دعای کسی که به دیگری تا زمان معینی قرضی داده ولی بر این قرض، سندی ننوشته و یا شاهدی نگرفته است.

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ:

«أَصْنَفُ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ: مِنْهُمْ مَنْ آذَانَ رَجُلًا دَيْنًا إِلَى أَجَلٍ فَلَمْ يَكْتُبْ عَلَيْهِ كِتَابًا وَ لَمْ يُشْهِدْ عَلَيْهِ شُهُودًا». چند گروهند که دعایشان مستجاب نمی شود: کسی که به شخصی تا زمان معینی قرضی داده است ولی بر این قرض سندی ننوشته و یا شاهدی نگرفته است.

۲- نفرین انسان نسبت به ارحامش.

«وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى ذِي رَحِمٍ». و مردی که به ارحامش نفرین می کند.

۳- دعای مردی که زنش او را اذیت می کند و او از خدا نجات می خواهد.

«وَ رَجُلٌ تُوذِيهِ امْرَأَتُهُ بِكُلِّ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَ هُوَ فِي ذَلِكَ يَدْعُو اللَّهَ عَلَيْهَا وَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَرْحِنِي مِنْهَا. فَهَذَا يَقُولُ اللَّهُ لَهُ: عَبْدِي، أَوْ مَا قَلَدْتُكَ أَمْرَهَا، فَإِنْ شِئْتَ خَلَيْتَهَا، وَ إِنْ شِئْتَ أَمْسَكْتَهَا». و مردی که زنش او را تا می تواند اذیت می کند و او در حال زنش را نفرین

می کند و می گوید: خدایا مرا از دست او راحت کن. پس خداوند به آن مرد می فرماید: بنده من آیا امر او را به دست تو نسپردم، اگر خواستی او را رها کن (طلاقش بده) و اگر خواستی او را نگه دار.

۴- دعای کسی که از خدا تقاضای رزق می کند، در حالی که تمام اموالش را (حتی) در راه خیر انفاق کرده و چیزی برای خود باقی نگذاشته است.

«وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَالًا ثُمَّ أَنْفَقَهُ فِي الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، فَلَمْ يَبْقَ لَهُ مِنْهُ شَيْءٌ، وَهُوَ فِي ذَلِكَ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ، فَهَذَا يَقُولُ لَهُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَوْ لَمْ أَرْزُقْكَ وَأُغْنِيكَ، أَفَلَا اقْتَصَدْتَ وَلَمْ تُسْرِفْ؟! إِنِّي لَا أَحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». و مردی که خدای تبارک و تعالی به او مالی عنایت کرده است، سپس او آن مال را در راه نیک و تقوا انفاق نموده و از آن چیزی برای خود باقی نگذاشته است و او در این حال از خداوند متعال تقاضای رزق و روزی می کند. خدای تبارک و تعالی به او می فرماید: آیا من به تو روزی ندادم و بی نیازت نکردم؟ پس چرا میانه روی پیشه نکردی تا نتیجتاً اسراف نکنی؟ همانا من اسراف کاران را دوست ندارم.

۵- دعای مردی که در خانه نشسته و بدون اینکه کار کند از خدا طلب روزی می کند.

«وَرَجُلٌ قَاعِدٌ فِي بَيْتِهِ وَهُوَ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ، لَا يَخْرُجُ وَلَا يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ، ...». و مردی که در خانه اش نشسته و از خداوند طلب روزی می کند، در حالی که (به جهت کار و تلاش) از خانه خارج نشده و آن گونه که خداوند دستور داده است طلب روزی نمی کند.

۶- کسی که مالش را نابجا خرج کند.

قال الصادق عليه السلام: «رَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ...». حضرت صادق علیه السلام فرمودند: آن مردی است که خداوند مالی باو بدهد و آن را در غیر مورد شایسته‌اش خرج کند، سپس بگوید: خدایا بمن بده (که چنین کسی) دعایش مستجاب نشود.

۷- نفرین انسان در حق هم سایه خود.

«وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَى جَارِهِ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ السَّبِيلَ إِلَى أَنْ يَتَحَوَّلَ عَنْ جِوَارِهِ وَيَبِيعَ دَارَهُ». و مردی که بر همسایه خود نفرین کند (و از همسایه آزاری او به خدا شکایت کند) با اینکه خدای عز و جل برای او راهی قرار داده، و آن اینست که خانه خود را بفروشد و از همسایگی او بجای دیگر رود.

۸- دعا کسی که دعایش مشتمل بر امر غیر ممکن یا حرام باشد.

قال مولانا امیر المومنین علیه السلام: «يَا صَاحِبَ الدُّعَاءِ لَا تَسْأَلُ مَا لَا يَكُونُ وَلَا يَحِلُّ». مولا امیر المومنین علیه السلام فرمودند: چیزی را که امکان تحقق ندارد (غیر ممکن است) و (یا اینکه) حلال نیست، از خدا نخواه.

قابل ذکر است که اگر ولی خدا و امام حق از برخی دعاها مثل آن چه در بالا ذکر شد نهی فرماید بدین معناست که دعا، دعای باطلی است و شخص داعی در واقع با این دعا نقش بر آب می زند و این دعا هرگز مستجاب نیست.

۹- دعای کسی که حاجتی را از برادر مسلمانش ضمانت کرده ولی آن را انجام نداده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ ضَمِنَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ حَاجَةً لَهُ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ لَهُ فِي حَاجَةٍ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس برای برادر مسلمان خود (اجابت) حاجتی را ضمانت کند، خدای متعال در هیچ حاجتی به او نگاه نمی کند تا این که حاجت برادر مسلمانش را اجبت نماید.

۱۰- دعای کسی که دختر صاحب فضلش را به ازدواج فاسقی در آورد.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ بِفَاسِقٍ نَزَلَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفُ لَعْنَةٍ وَ لَا يَصْعَدُ لَهُ عَمَلٌ إِلَى السَّمَاءِ وَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ دُعَاؤُهُ وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهُ صَرْفٌ وَ لَا عَدْلٌ». کسی که دختر بزرگوارش (صاحب کمالات) را به ازدواج انسان فاسقی در آورد، هر روز بر او هزار لعنت نازل می شود، هیچ عملی از او به آسمان بالا نمی رود، دعایش مستجاب نمی گردد و توبه و فدیة ای (جایگزین) از او پذیرفته نمی شود.

۱۱- دعای کسی که در خانه اش شراب، دف، طنبور یا نرد داشته باشد.

عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ خَمْرٌ أَوْ دَفٌّ أَوْ طَنْبُورٌ أَوْ نَرْدٌ وَ لَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ وَ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْبَرَكَةَ». ملائکه در خانه ای که در آن مشروب، دف، طنبور یا نرد باشد، داخل نمی شوند، دعای اهل آن خانه مستجاب نخواهد شد و خدا برکت را از ایشان بر می دارد.

۱۲- نفرین فرزند در حق والدینش.

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ أَصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ رَجُلٌ يَدْعُو عَلِيَّ وَالِدَيْهِ...». از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ روایت شده است که فرمودند: همانا دعای گروه هائی از ائمتّم مستجاب نمی شود: (از جمله ایشان است) شخصی که پدر و مادر خود را نفرین می کند.

۱۳- دعای کسی که برای ظلم ظالمی عذر تراشی کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ عَذَرَ ظَالِمًا بِظُلْمِهِ سَلَطَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ مَنْ يَظْلِمُهُ فَإِنْ دَعَا لَهُمْ يَسْتَجِبُ لَهُمْ وَ لَهُمْ يَأْجِرُهُ اللَّهُ عَلَيَّ طُلَامَتِهِ». از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمودند: هر که بر [روا بودن] ستم ستمگری عذر بتراشد، خدای تعالی ستمگری را بر او چیره گرداند و چون دعا کند برآورده نشود و خداوند بر ستمدیدی او پاداشی ندهد.

۱۴- دعای کسی که در حضور جنازه ای بخندد.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ ضَحِكَ عَلَيَّ جِنَازَةً أَهَانَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُئُوسِ الْخَلَائِقِ وَ لَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُ...». نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: هر کس بر جنازه ای بخندد، خداوند تعالی روز قیامت او را مقابل خلائق خوار می کند و دعایش را مستجاب نمی نماید...

۱۵- دعای کسی که به خاطر طمع در دنیا علی رغم باطنی خبیث، از خود ظاهری نیکو و موجّه نشان می دهد (ریاکار است).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَخُبُّ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَ تَحْسُنُ فِيهِ عُلَانِيَتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفُ يُعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُونَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ». رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و آله فرمودند: بر امت من زمانی خواهد رسید که باطنشان پلید می‌گردد و برای رسیدن به دنیا ظاهر خود را می‌آرایند، و در پی اجر و پاداش الهی نیستند. کارشان برای خودنمایی است و به ترس از خدا آمیخته نیست. خدا هم آنان را دچار عقوبت می‌کند، آن‌گاه مانند شخص غریق برای نجات خود دعا می‌کنند و دعایشان مستجاب نمی‌شود.